

متن پرسش

باسلام ۱- استاد ایا شما جایگاهی عرفانی هم برای ولایت فقیه قائل هستید یعنی این ولایت را ضعیف شده همان ولایت تکوینی انسان کامل می دانید؟ اگر این طور است پس نظر ایت الله جوادی املی دراینباره چگونه تبیین می شود که ولایت را تقسیم وتفکیک می کنند وتنها در بخش جزی فقیه را دارای ولایت می دانند؟ ۲-استاد چرا علامه طباطبایی و علامه جعفری تئوری ولایت فقیه رانپذیرفتند، در صورتی که زمان این دوبرزگوار این نظریه مطرح ودرحال نظریه پردازی بود؟ ۳-استاد شما ازجریان فراماسونری چه تعریفی دارید وجایگاه آن را-باتوجه به مستنداتی که این شبها تلوزیون پخش می کند- در تمدن سازی مدرنیته به این شدت قبول دارید؟ ۴-پیرو سوال قبل استاد شما در ظهور مدرنیته آیا نقشی برای فعالیت های عرفانی کابالایی و نوعی ارتباط با ماوای شیطانی قائل هستید؟ ۵- آیا این حرف درست است که ((حق وحقیقت ثابت است واین باطل است که در تاریخ چهره های گوناگونی به خود میگرد وامروزه باطلی که ما با آن روبه رو هستیم فضای غرب ومدرنیته است)) اگر صحیح است ما چگونه مردم را متوجه مدرنیته کنیم درحالی که انها نه بااصطلاحات فلسفی وجامعه شناسی اشنایند وهم بسیار با تکنولوژی خو گرفته اند برای انها امری بدیهی شده است و بدی تمدن غرب را در مفاصد اخلاقی ان می دانند وخواستار ژاپن اسلامی هستند در این فضا ما باید کجا شروع کنیم تا دیگران رامتوجه غرب کنیم؟ استاد این راهم باید اضافه کنیم که بسیاری ازعلما هم غرب را فقط ازفیتلر فقه ما می گذارند ومردم هم این را می پذیرند. التماس دعا

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- هیچکس ولایت فقیه را به اعتبار جایگاه ولایت فقیه، جایگاه عرفانی نمی‌داند. هرچند ممکن است شخصی که به عنوان ولی فقیه در مسند کار قرار گرفته انسان عارفی باشد و تأثیرات تکوینی بر جامعه داشته باشد. می‌ماند که بنا به سخن حضرت رضا «علیه‌السلام» هرکس امور بندگان را به دست گرفت خداوند مدد‌هایی از جمله مدد‌های تکوینی به او می‌کند که آن بحث دیگری است و بنده در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در این مورد عرایضی داشته‌ام ۲- ابدأ این طور نیست که این دو بزرگوار ولایت فقیه را قبول نداشته باشند. بنده با افکار علامه جعفری و علامه طباطبایی آشنایم و این را یک تهمتی می‌دانم که رادیوهای بیگانه مطرح کردند ۳- نمی‌دانم منظورتان چیست. معلوم است که یکی از ابعاد فرهنگ غربی فراماسیونری است ۴- تمام این‌ها برای ترمیم روح مدرنیته است تا فرهنگ مدرنیته بتواند جای دین را بگیرد ۵-

همیشه حقایق ثابت‌اند و ظهورات مختلف دارد و باطل همیشه مانع ظهور حقیقت است. به نظرم رنه‌گون بعد از مسلمان‌شدنش این کار را به‌خوبی به عهده گرفت و بنده در کتاب «علل تزلزل تمدن غرب» سعی کرده‌ام اندیشه‌ی او را تبیین کنم و مردم به‌خوبی از این طریق می‌توانند متوجه حجاب مدرنیته نسبت به حقایق قدسی بشوند. موفق باشید